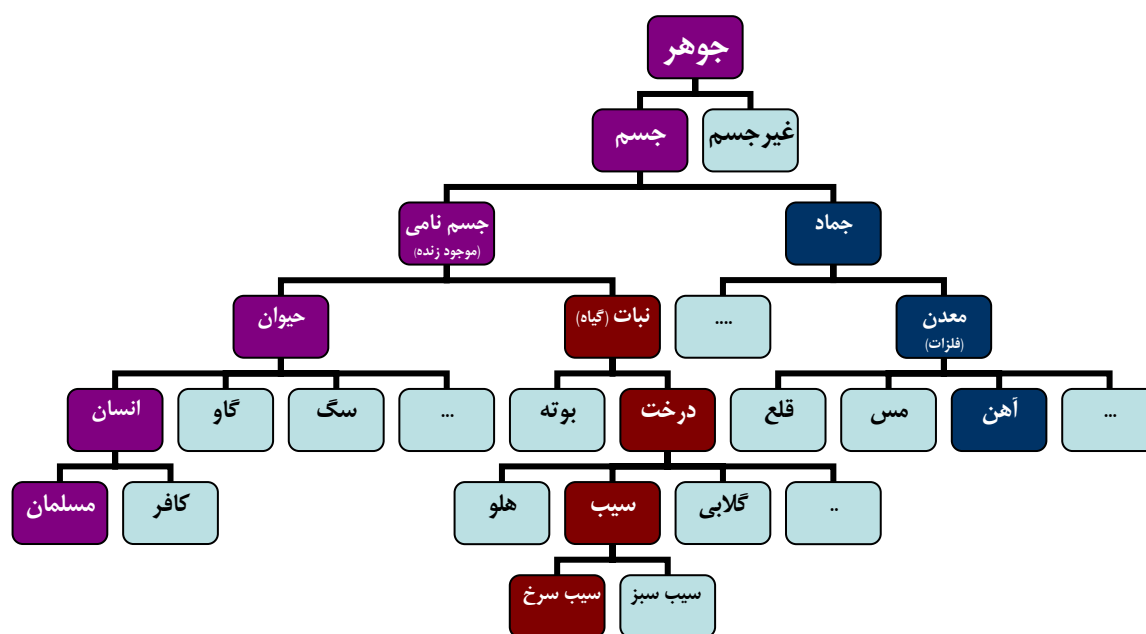


# پاسخنامه تمرین‌های اختیاری منطق (۱) از جلسه هشتم تا دوازدهم

جلسه هشتم، نهم و دهم

- کلیات و اقسام آن
- سلسله ترتب کلیات و تقسیمات دیگر آن
- اقسام فصل، اقسام تعریف و قواعد آن



(۱) سلسله‌ای که به نوع انسان منتهی می‌شود: جوهر/جسم/جسم نامی/حیوان/انسان

(۲) سلسله‌ای که به نوع درخت سیب منتهی می‌شود: جوهر/جسم/جسم نامی/نبات/درخت/درخت سیب

(۳) سلسله‌ای که به نوع آهن منتهی می‌شود: جوهر/جسم/جماد/معدن/آهن

الف) با توجه به سلسله‌های بالا موارد زیر را مشخص کنید؛

- «جنس قریب»، «جنس بعید»، «فصل قریب» و «فصل بعید» درخت.

جنس قریب: نبات

جنس بعید: جسم نامی، جسم، جوهر

فصل قریب: دارای تنه حلقوی

فصل بعید: انجام دهنده عمل فتوسنتز (فصل قریب گیاه)، دارای حیات و قدرت تولید مثل (فصل قریب جسم نامی)، ...

- «فصل»، «عرضی خاص» و «عرضی عام» درخت.

فصل: دارای تنه حلقوی

عرضی خاص: دارای پوست کلفت چوبی

عرض عام: میوه‌دار

- تعریف درخت به حد تام، حد ناقص، رسم تام و رسم ناقص.

تعریف به حد تام: گیاه دارای تنه حلقوی

تعریف به حد ناقص:

۱- جسم نامی دارای تنه حلقوی یا جسم دارای تنه حلقوی یا ....

۲- دارای تنه حلقوی

رسم تام: گیاه دارای پوست کلفت چوبی

رسم ناقص:

۱- جسم نامی دارای پوست کلفت چوبی یا جسم دارای پوست کلفت چوبی.

۲- دارای پوست کلفت چوبی

- «جنس سافل»، «جنس عالی»، «نوع الانواع»، «نوع عالی»،

«نوع سافل» و انواع و اجناس سلسله سوم.

جنس سافل: معدن (فلزات)

جنس عالی: جوهر

نوع الانواع: آهن

نوع عالی: جسم

نوع سافل: آهن

ب) در شکل بالا چه خطاهایی رخ داده است؟

مبنای تقسیم در نمودار انواع و اجناس بر اساس فصل که یکی از ذاتیات شیء است انجام می‌گیرد؛ مثلاً فصل حیوان متحرک بودن آن است که آن را از گیاه جدا می‌کند این فصل ذاتی حیوان است بدین معنی که حیوان بدون تحرک وجود نخواهد داشت. یا در درخت گلابی فصل آن «دارای میوه گلابی» است که این فصل آن را از درخت سیب جدا می‌کند در عین حال جزء ذاتیات درخت گلابی است.

اما در این نمودار دو جا این قاعده رعایت نشده است: یکی تقسیم درخت سیب به «درخت دارای سیب سبز» و «درخت دارای سیب سرخ» که در اینجا به اختصار سیب سبز و سیب سرخ نوشته شده است. داشتن سیب سرخ یا سیب سبز جزء عرضیات درخت سیب است نه ذاتیات آن. همچنین در تقسیم انسان به کافر و مسلمان نیز همینگونه است دیندار بودن جزء عرضیات انسان نه ذاتیات آن.

بنابراین «سیب سرخ»، «سیب سبز»، «کافر» و «مسلمان» در واقع صنف هستند نه نوع.

## جلسه یازدهم

### گونه‌هایی از رسم ناقص

برای هر کدام از گونه‌های ذکر شده از رسم ناقص سه نمونه ذکر کنید.

۱. تعریف به مثال

- سیاره مثل زمین و ناهید
- کشور مثل فرانسه
- علم مثل شیمی

۲. تعریف به اشباه و نظایر

- نرم/فزار در علوم کامپیوتر همانند روح در انسان است که وجود دارد و بدن را مدیریت می‌کند ولی قابل لمس نیست.
- سیاه‌چاله‌ها همچون گرداب هستند که همه چیز را به سمت خود جذب می‌کنند.
- ساختار لفظی قصیده همانند غزل است با این تفاوت که تعداد ابیات آن عموماً بیشتر از غزل است.

۳. تعریف به متقابل

- تلفن همراه برخلاف تلفن ثابت قابل حمل و جابجایی است.
- مهره‌داران بر خلاف بی‌مهرگان دارای ستون فقرات استخوانی هستند.
- سیارات بر خلاف ستارگان از خود منبع نور و تابش ندارند.

۴. تعریف به خاصه مرکبه

- درخت: دارای پوست کلفت چوبی
- شتر: حیوان بارکش بیابانی
- معلم واقعی: تعلیم دهنده دلسوز

۵. تعریف به تقسیم

- یک خانه خوب مکانی است که دارای آشپزخانه، سرویس بهداشتی مناسب، اتاق خواب و ... باشد.
- شناسنامه سندی است که صفحه اول آن شامل مشخصات فردی نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، نام پدر و مادر، محل صدور، صفحه دوم آن مشخصات همسر و فرزندان، صفحه سوم آن مربوط به انتخابات و صفحه چهارم آن مربوط به توضیحات وفات است.
- کامپیوتر یک وسیله است که دارای یک صفحه نمایش، یک صفحه کلید، موس، کیس و در برخی موارد اسپیکر است.

## جلسه دوازدهم

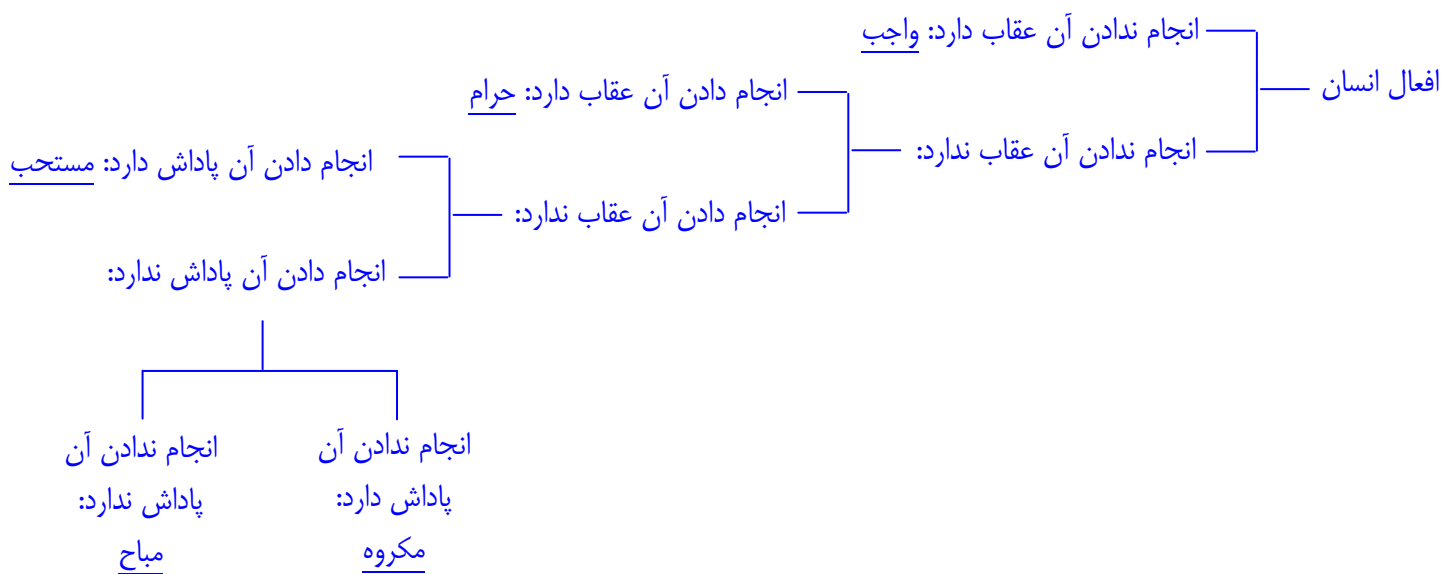
### تقسیم و قواعد آن

۱. تقسیم زیر را در نظر بگیرید: «افعال: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح»<sup>۱</sup>

– ملاک این تقسیم را تعیین کنید.

▪ ملاک این تقسیم حکم شرعی انجام افعال و اعمال است.

– آن را که به روش تفصیلی بیان شده، به شیوه ثنایی بازنویسی کنید.



۲. در هر یک از موارد زیر اولاً ملاک تقسیم را مشخص نمایید؛ ثانیاً بگویید تقسیم طبیعی است یا منطقی و ثالثاً در مواردی که برخی قواعد تقسیم رعایت نشده است، قواعد نقض شده را تعیین کنید.<sup>۲</sup>
- انسان: {سفیدپوست، زردپوست، سیاهپوست، سرخپوست}
    - ملاک این تقسیم رنگ پوست انسانهاست.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: سفیدپوستها انسان هستند / برخی از انسانها سفید پوست هستند.
    - در این تقسیم اشکالی مشاهده نمی‌شود.
  - حیوان: {گوشتخوار، گیاهخوار، غیر گوشتخوار و گیاهخوار}
    - ملاک این تقسیم نوع خوارک حیوانات است.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: گیاهخوارها حیوان هستند / برخی از حیوانها گیاهخوار هستند.
    - قسم سوم این تقسیم وجود خارجی ندارد چون حیوانی را نداریم که نه گوشتخوار باشد نه گیاهخوار.
  - کشورهای جهان: {غیر عضو اپک، ایران، عربستان، بحرین، امارات، کویت، اندونزی، عراق، قطر، عمان}
    - ملاک این تقسیم عضو بودن در سازمان اوپک است.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: امارات از کشورهای جهان است / یکی از کشورهای جهان عراق است.
    - این تقسیم جامع و مانع نیست چرا که از یک سو برخی از کشورهای عضو اوپک مانند نیجریه و ونزوئلا در آن نیامده و از طرف دیگر برخی از کشورهایی که عضو این سازمان نیستند مانند عمان در آن آمده است.
  - اصول دین: {توحید، معاد، نبوت، امامت، عدل}
    - ملاک این تقسیم اصول مشخص شده دین است.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: معاد از اصول دین است / یکی از اصول دین توحید است.
    - بنا بر اعتقاد شیعیان که اصول دین همین پنج موردی است که ذکر شده، در این تقسیم اشکالی مشاهده نمی‌شود.
  - نشریه: {روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه، گاهنامه}
    - ملاک این تقسیم فاصله زمانی انتشار نشریات است.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: هفته‌نامه از نشریات است / یکی از انواع نشریات فصلنامه است.
    - در این تقسیم اشکالی مشاهده نمی‌شود.
  - اتم: {الکترون، پروتون، نوترون}
    - ملاک این تقسیم ذرات تشکیل دهنده اتم است.
    - این تقسیم کل به اجزاء (طبیعی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل نیستند: الکترون اتم است / یکی از انواع اتمها نوترون است.
    - در این تقسیم اشکالی مشاهده نمی‌شود.
  - ذرات اتم: {بدون بار الکتریکی، دارای بار مثبت، دارای بار منفی}
    - ملاک این تقسیم داشتن بار الکتریکی برای ذرات اتم است.
    - این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: [ذره] دارای بار الکتریکی از ذرات اتم است / یکی از انواع ذرات اتم بدون بار الکتریکی است.
    - در این تقسیم اشکالی مشاهده نمی‌شود.
  - انسان: {موحد (خوش اخلاق، بد اخلاق)، ملحد، شکاک، منافق}
    - این تقسیم ملاک ثابتی ندارد.

- این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: ملحد انسان است / یکی از اصناف انسانها شکاکان هستند.
- این تقسیم ملاک ثابت ندارد، جامع نیست و اقسام تباین ندارند.

– مرغ: {مرغی که روزانه ۱۵۰ بار قدقد می کند، مرغی که روزانه کمتر از ۱۵۰ بار قدقد می کند، مرغی که روزانه بیشتر از ۱۵۰ بار قدقد می کند.}

- ملاک این تقسیم تعداد قدقدهای مرغ بر مبنای عدد ۱۵۰ است.
- این تقسیم کلی به جزئیات (منطقی) است چون اقسام بر مقسم و بالعکس قابل حمل است: مرغی که روزانه بیشتر از ۱۵۰ بار قدقد می کند، مرغ است / یکی از انواع مرغها مرغی است که روزانه بیش از ۱۵۰ بار قدقد می کند.
- این تقسیم لغو و بیهوده است و فایده ای ندارد.

۱. منطق کاربردی، علی اصغر خندان، ص ۵۸. (با تصرف)
۲. منطق کاربردی، علی اصغر خندان، ص ۶۰-۵۹. (با تصرف)